



Criminal Policy of the Islamic Republic of Iran Regarding Currency-Related Offenses: An Approach Based on Islamic Jurisprudential Principles

Seyyed Amirhossein Emami¹, Hossein Taji^{2*}, Hamidreza Mirzajani³

1. Department of Criminal Law and Criminology, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

3. Department of Criminal Law and Criminology, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: Original Research
Pages: 91-105

Corresponding Author's Info
ORCID: 0000-0003-3520-0259
TELL: +9800000000000
Email: h.taji1980@mshdiau.ac.ir

Article History:

Received: 29 Aug 2025

Revised: 3 Nov 2026

Accepted: 10 Jun 2026

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

Criminal Policy, Currency
Territory, Transparency,
Conflict of Interest, Weak
Regulation.

ABSTRACT

The principles of criminalization, meaning the reasons and why a behavior is considered a crime, play a fundamental role in legitimizing criminal policy. The criminalization process will be valid and efficient when it is based on defensible justifications. In criminal literature, several principles such as expediency, legal moralism, legal patriarchy, the principle of harm, the principle of aggression, perfectionism, and the principle of necessity are recognized as general principles of criminalization. In the field of foreign exchange crimes, criminalization sometimes overlaps with monetary crimes and sometimes focuses specifically on foreign exchange. However, the principles of foreign exchange criminalization in Iranian law have not been codified and coherently explained so far. Accordingly, the central question of the present study is what legal and criminal policy principles govern foreign exchange criminalization. The research method is based on induction and analysis of legislative examples. The findings show that currency crimes in Iran are based on various principles, the most important of which include: preventing the promotion of gambling in the currency market, the need for transparency in financial flows, controlling the volume of liquidity, managing conflicts of interest, providing the country with the currency it needs, and responding to specific economic conditions. Accordingly, currency criminalization in Iran's criminal policy has not been based on a single basis, but rather on a combination of various principles.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Emami, SA; Taji, H & Mirzajani, H (2026). "Criminal Policy of the Islamic Republic of Iran Regarding Currency-Related Offenses: An Approach Based on Islamic Jurisprudential Principles". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 6(2): 91-105.



انجمن علمی فقه جزای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه جزای تطبیقی

www.jccj.ir

شاپا الکترونیکی: 2980-860X



فصلنامه فقه جزای تطبیقی

دوره ششم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۵

سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال جرم‌انگاری‌های ارزی با رویکردی به قواعد فقهی

سید امیرحسین امامی^۱، حسین تاجی^{۲*}، حمیدرضا میرزاجانی^۳

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

مبانی جرم‌انگاری به معنای دلایل و چرایی تبدیل یک رفتار به عنوان جرم، نقش بنیادینی در مشروعیت بخشی به سیاست جنایی ایفا می‌کند. فرآیند جرم‌انگاری، زمانی معتبر و کارآمد خواهد بود که مبتنی بر علل توجیهی قابل دفاع باشد. در ادبیات کیفری، اصول متعددی همچون مصلحت‌گرایی، اخلاق‌گرایی قانونی، پدرسالاری قانونی، اصل ضرر، اصل تعرض، کمال‌گرایی و اصل ضرورت به عنوان مبانی عام جرم‌انگاری شناخته می‌شوند. در حوزه جرائم ارزی نیز، جرم‌انگاری گاه هم‌پوشان با جرائم پولی است و گاه به طور خاص بر ارزش متمرکز می‌شود. با این وجود، مبانی جرم‌انگاری ارزی در حقوق ایران تاکنون به طور مدون و منسجم تبیین نشده است. بر این اساس، پرسش محوری پژوهش حاضر آن است که چه مبانی حقوقی و سیاست جنایی بر جرم‌انگاری‌های ارزی حاکم است. روش پژوهش بر مبنای استقرا و تحلیل مصادیق تقنینی استوار است. یافته‌ها نشان می‌دهد که جرائم ارزی در ایران بر مبنای متنوعی استوارند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: پیشگیری از ترویج قمار در بازار ارز، ضرورت شفافیت در جریان‌های مالی، کنترل حجم نقدینگی، مدیریت تعارض منافع، تأمین ارزش مورد نیاز کشور و واکنش به شرایط خاص اقتصادی. بر این اساس، جرم‌انگاری ارزی در سیاست جنایی ایران نه بر پایه یک مبانی واحد، بلکه بر تلفیقی از مبانی گوناگون شکل گرفته است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۱-۱۰۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۵۲۰-۰۲۵۹

تلفن: +۹۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ایمیل: h.taji1980@mshdiau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

سیاست جنایی، قلمرو ارزی، شفافیت،

تعارض منافع، ضعف مقررہ گذاری.



مقدمه

واژه «مبنای» در نوشتارهای حقوقی، تا کنون در معانی متعددی از قبیل نیروی الزام‌آور حقوق (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۹-۱۸)، قاعده حقوقی غیر مصرح (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۱۸۴)، دلیل اعتبار و مشروعیت (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶: ۶۴) و در نهایت چرایی یک حکم (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۸: ۷۷)، استعمال گردیده است (منصورآبادی و ریاحی، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۲). اگرچه هر یک از معانی فوق در جای خود صحیح هستند، لیکن در نوشتار حاضر مراد از مبنای همان علت و چرایی جرم‌انگاری است. جرم‌انگاری‌های قلمرو ارزی همگی از سنخ جرائم ساختگی بوده و هیچ‌یک جنبه طبیعی ندارند. در جرائم ساختگی بر خلاف جرائم طبیعی (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۳۱)، به‌طور معمول یک نیاز اجتماعی سبب پیدایش عناوین مجرمانه می‌شود (پیکا، ۱۳۸۹: ۳۷)؛ لذا کشف این نیاز اجتماعی در واقع به مثابه کشف چرایی جرم‌انگاری است. در واقع جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن، قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبنای نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند بر این اساس، جرم‌انگاری امری پسینی و مبتنی بر امور دیگری که نقض آن‌ها از منظر قانون‌گذار قبیح است وضع می‌گردد.

مبنای جرم‌انگاری را اصولاً باید با توجه به ماهیت و نوع هر جرم مورد تحلیل و بررسی قرار داد؛ به‌عنوان مثال؛ مبنای جرم‌انگاری برخی رفتارها در فضای مجازی را آسیب‌های فرا مجازی وارده به کاربران یا سایرین دانسته‌اند (زمانی جباری و پژوهش جهرمی، ۱۳۹۷: ۸)، مبنای جرم‌انگاری جرائم منافی عفت و اخلاق عمومی را باید در آموزه‌های دینی جستجو نمود (ترک چناری، ۱۳۹۰: ۷) و مبنای جرم‌انگاری قاچاق دارو را حراست از بهداشت عمومی و سلامت اشخاص می‌دانند (عینی، ۱۳۹۷: ۱۷). در حوزه جرائم اقتصادی، مبنای متعددی همچون حمایت از سیاست‌های کلان اقتصادی دولت، نظارت بر حجم نقدینگی، پشتیبانی از تولید و صادرات، کنترل تورم و تأمین ثبات مالی مطرح شده است. با این حال، تاکنون در هیچ پژوهش مستقلی به‌طور خاص مبنای جرم‌انگاری در قلمرو جرائم ارزی ایران مورد واکاوی منسجم قرار نگرفته است. این

خلاً نظری، ضرورت بررسی عمیق مبنای جرم‌انگاری در حوزه ارزی را آشکار می‌سازد.

یافتن این مبنای، مستلزم به‌کارگیری رویکرد استقرایی و تحلیل مصادیق تقنینی است تا بتوان پاسخ روشنی به پرسش بنیادین داد که «مبنای جرم‌انگاری در قلمرو ارزی کشور چیست؟». اهمیت این پرسش زمانی آشکارتر می‌شود که توجه کنیم ارتکاب جرائم ارزی، اغلب پیامدهایی چون تغییرات غیرموجه در تقاضای پول، نوسانات شدید نرخ ارز و بی‌ثباتی جریان سرمایه را به‌دنبال دارد؛ پدیده‌هایی که علاوه بر آثار اجتماعی و سیاسی، به‌طور مستقیم موجب تضعیف کنترل دولت بر سیاست‌های اقتصادی می‌شوند و دستیابی به اهداف توسعه‌ای را با مانع جدی مواجه می‌سازند.

افزون‌بر این، بخش خصوصی و واحدهای تولیدی نیز در اثر نوسانات ناشی از جرائم ارزی با پیامدهایی چون کاهش توان مالی برای تأمین مواد اولیه، افزایش هزینه‌های تولید، ورشکستگی، فرار سرمایه و از دست رفتن بازارهای داخلی و خارجی روبه‌رو می‌شوند. بنابراین، اتخاذ سیاست جنایی کارآمد برای مقابله با جرائم ارزی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و تحلیل مبنای جرم‌انگاری در این حوزه می‌تواند ضمن آشکار ساختن کاستی‌ها و نقاط قوت قانون‌گذاری، به‌عنوان راهنمایی برای جرم‌انگاری‌های آتی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

به نظر می‌رسد جرم‌انگاری‌های صورت‌گرفته در قلمرو ارزی ایران از منطق و مبنای واحدی پیروی نکرده و گاه به‌صورت نامنظم و بر پایه‌ی آزمون‌وخطا شکل گرفته‌اند؛ امری که در برخی موارد حتی به گسترش سوءاستفاده‌ها و اتلاف منابع ملی منجر شده است. از همین رو، پژوهش حاضر بر آن است تا با کشف و دسته‌بندی مبنای جرم‌انگاری ارزی، چارچوبی روشن برای ارزیابی انتقادی مقررات موجود و ارائه راهکار برای اصلاحات تقنینی آینده فراهم آورد.

۱- قواعد فقهی مرتبط با جرم‌انگاری‌های ارزی

نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جرم‌انگاری رفتارهای اقتصادی مرتبط با ارز، بیش از هر حوزه‌ای به مبنای فقهی خود اتکا دارد؛ چراکه بازار ارز به‌عنوان یکی از ارکان تنظیم اقتصاد

است. بنابراین، جرم‌انگاری رفتارهای ارزی و استفاده از ابزار کیفری، مشروعیت فقهی خود را از این قاعده می‌گیرد و معیار اثباتی آن شامل رابطه سبب و مسبب و میزان اثرگذاری اعمال بر جامعه است (انصاری، ۱۳۷۵: ۱۱۵).

۱-۲- قاعده «افساد فی الارض»

قاعده افساد فی الارض یکی از شدیدترین اصول کیفری در فقه اسلامی است که به اعمالی اطلاق می‌شود که نظم عمومی، امنیت و ثبات جامعه را تهدید کند. این قاعده شامل رفتارهای اقتصادی است که موجب تخریب ساختار کلان اقتصادی کشور می‌شوند، مانند ایجاد نوسان عمدی در بازار ارز یا تبانی برای اختلال در تعادل ارزی (ابن قدامه، ۱۴۱۳: ۱۱۲/۳).

در حقوق ایران، قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصادیق افساد را در حوزه‌های ارزی پوشش می‌دهد و اختیار تعیین مجازات‌های شدید برای اعمالی که آثار گسترده و بلندمدت دارند، به قاضی و حاکم داده شده است. تحلیل حقوقی- فقهی نشان می‌دهد که افساد اقتصادی زمانی تحقق می‌یابد که عمل مجرمانه، علاوه بر آثار مالی، موجب اختلال در نظام توزیع منابع و اختلال در ثبات بازار شود.

پیوند بین فقه و قانون ایران در این مورد روشن است: معیار اثبات افساد شامل بررسی شدت اختلال، دامنه تأثیر و استمرار رفتار مجرمانه است. این تحلیل نشان می‌دهد که مقنن با استناد به قاعده افساد فی الارض، اختیار اعمال مجازات‌های شدید و بازدارنده را در قوانین ارزی فراهم کرده و مشروعیت فقهی آن نیز تأیید می‌شود (قانون مجازات اخلاک‌گران، ماده ۳).

۱-۳- قاعده «حفظ نظام»

قاعده حفظ نظام یا حفظ مصالح عمومی، در فقه حکومتی شیعه و مقاصد اهل سنت، یکی از اصول اساسی مشروعیت وضع قوانین است. حفظ ثبات اقتصادی و جلوگیری از اختلال در بازار ارز، از مصادیق روشن این قاعده به‌شمار می‌آید (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۸۲).

در مقررات ایران، محدودیت‌ها و کنترل‌های ارزی، اختیارات نظارتی بانک مرکزی و الزام به ثبت و گزارش تراکنش‌های ارزی، همگی در چارچوب حفظ نظام قابل توجیه هستند. این

ملی، نقشی سرنوشت‌ساز در حفظ ثبات مالی، کنترل تورم و تأمین کالاهای اساسی دارد. هرگونه رفتار اختلال‌زا در آن، علاوه بر آسیب به مبادلات داخلی و بین‌المللی، امنیت اقتصادی و در نتیجه امنیت ملی را تهدید می‌کند. به همین دلیل، سیاست جنایی ایران نسبت به جرائم ارزی رویکردی بازدارنده و سخت‌گیرانه دارد که این رویکرد، ریشه در اصول بنیادین فقه اسلامی دارد. قوانین اصلی موجود در این حوزه همچون قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۹۲ و اصلاحات ۱۴۰۰)، قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور (مصوب ۱۳۶۹)، قانون مجازات اسلامی، و نیز مصوبات اجرایی بانک مرکزی، همگی با رجوع به قواعد فقهی مانند لاضرر، حفظ نظام، افساد فی الارض و منع اکل مال به باطل تدوین شده‌اند؛ بنابراین، تحلیل جرم‌انگاری ارزی جز از طریق بررسی این مبانی فقهی ممکن نیست.

۱-۱- قاعده «لاضرر»

قاعده «لاضرر» از مهم‌ترین اصول فقهی است که منع هرگونه ضرر به نفس یا جامعه را بیان می‌کند. این قاعده در منابع شیعه و اهل سنت به‌طور گسترده مورد استناد قرار گرفته و برای جرم‌انگاری اقتصادی به‌ویژه در حوزه ارز، مبنای نظری مستحکمی فراهم می‌آورد. از منظر فقهی، ضرر به معنای ایجاد زیان ملموس یا بالقوه بر جامعه یا فرد است و شامل اثرات مالی و اجتماعی می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳۴/۵).

در ایران، قوانین مرتبط با قاچاق ارز، اختلال در نظام اقتصادی و استفاده غیرمجاز از ارز، مستقیماً با قاعده لاضرر پیوند دارند. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، رفتارهایی مانند حمل، نگهداری و معامله ارز خارج از چارچوب رسمی را جرم‌انگاری کرده است تا از ایجاد ضرر به اقتصاد ملی جلوگیری شود. مقنن معیار «ضرر عمومی» را در تعیین میزان مجازات لحاظ می‌کند و امکان استفاده از مجازات تعزیری را فراهم ساخته است (قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی، مصوب ۱۳۶۹: ماده ۲).

تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که ضرر در این حوزه نباید صرفاً مالی در نظر گرفته شود، بلکه اثرات غیرمستقیم مانند اختلال در دسترسی تولیدکننده به ارز وارداتی نیز مشمول قاعده لاضرر

۱-۶- قاعده «تعزیر و اختیارات حاکم اسلامی»

قاعده تعزیر، اختیار حاکم یا قاضی را برای وضع مجازات در مواردی که نص شرعی صریح ندارد، فراهم می‌کند. این قاعده برای رفتارهای نوظهور اقتصادی مانند سوءاستفاده از شبکه‌های ارزی و معاملات الکترونیک کاربرد دارد (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۹۰). در ایران، این اختیار به شکل آیین‌نامه‌های بانک مرکزی و مصوبات شورای عالی امنیت ملی اعمال می‌شود و امکان وضع مقررات واکنشی و انعطاف‌پذیر را فراهم می‌آورد. تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که تعزیر باید با معیار قانونی بودن، تناسب و تضمین حقوق دفاعی همراه باشد تا از سوءاستفاده جلوگیری شود. این قاعده پلی میان فقه کلاسیک و سیاست جنایی مدرن ایجاد می‌کند و مشروعیت قانونی اعمال کنترل‌های ارزی را تثبیت می‌نماید (قانون مجازات اخلاک‌گران، ماده ۵).

۲- جرم‌انگاری مبتنی بر لزوم شفافیت جریان مالی

شفافیت اقتصادی یکی از مفاهیم چالش‌برانگیز در دنیای امروز است که در کنار شفافیت سیاسی یکی از مؤلفه‌های مهم حکمرانی خوب محسوب می‌شود (Hollyer et al., 2018; 2; Khagram et al., 2013: 1). در تعریف جامعی از شفافیت آمده است که «جریان اطلاعات قابل اتکا و به هنگام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که برای همه ذینفعان مرتبط قابل دسترسی باشد» (سرمد شوشتری و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۰۷).

شفافیت اقتصادی نقش بسیار مهمی در پیشگیری از فساد و جرم دارد به نحوی که یافته‌های برخی از پژوهش حکایت از آن دارد که ارتقاء شفافیت رویدادهای مالی برای دولت، می‌تواند موجبات کوچک شدن اقتصاد زیرزمینی، کاهش فرار مالیاتی، کاهش کسری بودجه، فراهم کردن امکان اخذ پایه‌های مالیاتی جدید مثل مالیات‌های تنظیمی و مالیات بر مجموع درآمد، کاهش فساد اقتصادی، اصلاح نظام حمایتی کشور، مبارزه با قاچاق و زمینه تقویت تولید داخل و ثبات اقتصادی را فراهم کند (سرمد شوشتری و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۰۱).

در حال حاضر بسیاری از کشورها در زمینه شفافیت اقتصادی گام‌های مؤثری برداشته‌اند. گروه ویژه اقدام مالی موسوم به FATF در این زمینه از پیشگامان استانداردسازی محسوب

قاعده دو پیام مهم دارد: اول اینکه دولت می‌تواند برای حفظ تعادل اقتصادی، آزادی‌های اقتصادی را مقید سازد؛ دوم، این محدودیت‌ها باید شفاف، متناسب و قابل بازنگری باشند. تحلیل فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که حفظ نظام مشروعیت قانونی و فقهی اعمال ضوابط کنترل ارزی را تقویت می‌کند، مشروط بر اینکه محدودیت‌ها با ضمانت‌های قضایی و معیارهای روشن همراه باشند (انصاری، ۱۳۷۵: ۱۲۰).

۱-۴- قاعده «منع اکل مال به باطل»

این قاعده بر اساس آیه «لا تأکلوا أموالکم بالباطل» و روایات معتبر، کسب مال از راه‌های غیر مشروع را تحریم می‌کند. فقه کلاسیک آن را شامل انواع کلاهبرداری، ربا و معاملات باطل می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۲۳۵). در حوزه ارز، معاملات صوری، جعل اسناد و کسب سود از سوءاستفاده از مقررات، مصادیق اکل مال به باطل محسوب می‌شوند. قوانین ایران مانند قانون مبارزه با قاچاق ارز و قانون مجازات اخلاک‌گران، تصریح دارند که چنین رفتارهایی جرم است و مجازات‌های تعزیری دارد. تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که عنصر «باطل» نیازمند شواهد مستدل اقتصادی و اثبات سوءنیت است، تا رفتارهای مشروع و پر ریسک از رفتارهای نامشروع تفکیک شوند (قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ماده ۲).

۱-۵- قاعده «حرمت احتکار»

احتکار به‌طور فقهی مورد مذمت شدید است و در منابع شیعه و سنی، برای کالاهای ضروری و حیاتی تحریم شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۲۴۲). در اقتصاد مدرن، ارز نیز می‌تواند هدف احتکار باشد؛ زمانی که عرضه محدود شده و قیمت مصنوعی بالا رود، اختلال در بازار رخ می‌دهد. در قوانین ایران، مقررات بانک مرکزی و قانون مبارزه با قاچاق ارز، تلاش می‌کنند با تعریف سقف‌های نگهداری و الزام به گزارش، از احتکار ارزی جلوگیری کنند. تحلیل فقهی-حقوقی نشان می‌دهد که عنصر قصد و اثرگذاری بر بازار، معیار اصلی برای تعیین جرم احتکار است و ضامن مشروعیت مجازات‌هاست (انصاری، ۱۳۷۵: ۱۲۵).

باشد؛ این جرائم عبارتند از برخی مصادیق قاچاق ارز نظیر فعالیت صرافی بدون مجوز، عدم ثبت صحیح معاملات ارزی و ارائه‌ی صورتحساب معامله و عرضه، حمل یا نگهداری ارز فاقد پشتوانه توجیهی، پولشویی و جرم تحصیل دارایی نامتعارف.

۳- جرم‌انگاری مبتنی بر لزوم مدیریت حجم نقدینگی

عدم کنترل حجم نقدینگی در کشور آثار مخرب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در پی خواهد داشت؛ به‌عنوان مثال ازدیاد حجم ریال در کشور باعث تورم و کمبود آن باعث رکود خواهد گردید. در حوزه ارزی نیز اگرچه ازدیاد حجم دارایی‌های ارزی تأثیر تورمی نخواهد داشت، لیکن کمبود آن تجارت خارجی را با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد نمود و به تبع آن قیمت کالاهای وارداتی افزایش یافته و مجدداً دارای اثر تورمی در کشور خواهد شد. علاوه بر موضوع فوق، در خصوص واردات نقدینگی به کشور، همواره یکی از دغدغه‌های کشورها آن است که بر نقدینگی ورودی به کشور نظارت کامل داشته باشند، زیرا؛

الف) چنانچه نظارت بر نقدینگی ورودی به کشور وجود نداشته باشد؛ ممکن است نقدینگی با منشأ مجرمانه توسط گروه‌های سازمان‌یافته پولشویی به کشور وارد شده و در کشور سفیدنمایی شود.

ب) چنانچه نظارت بر نقدینگی ورودی به کشور وجود نداشته باشد؛ ممکن است نقدینگی ورودی به کشور صرف رفتارهای مجرمانه شود و با توجه به روشن نبودن منشأ این وجوه امکان ردیابی و شناسایی عاملان جرم ممکن نخواهد بود.

ج) چنانچه نظارت بر نقدینگی ورودی به کشور وجود نداشته باشد؛ امکان برنامه‌ریزی صحیح برای نقدینگی وجود نداشته و سیاست‌های دولت در زمینه مدیریت نقدینگی ناکارآمد خواهد شد و نقدینگی سرگردان در هر حوزه‌ای وارد شود نظام عرضه و تقاضا را به هم زده و موجب تورم افسارگسیخته خواهد گردید (میثمی و ندری، ۱۳۹۷: ۱۲).

در جمهوری اسلامی ایران، مدیریت و حکمرانی عرصه ریال و ارز از دیرباز به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران محول گردیده و برای تخطی از سیاست‌ها ضمانت اجرای کیفری تبیین گردیده است. یکی از محورهای اصلی سیاست‌های پولی

می‌گردد. در اسناد بین‌المللی و نیز حقوق کشورهای پیشرفته نیز در حوزه‌های مختلف بر ضرورت شفافیت تأکید گردیده است. مطابق بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد که جمهوری اسلامی ایران نیز به موجب قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۱۳۸۵ به آن ملحق شده است، هر کشور عضو، طبق اصول اساسی نظام حقوقی خود، سیاست‌های مؤثر و هماهنگ ضد فساد را که مشارکت جامعه را ارتقاء می‌دهد و اصول حاکمیت قانون، مدیریت مناسب امور عمومی و اموال دولتی، یکپارچگی، شفافیت و مسئولیت‌پذیری را منعکس می‌کند، توسعه داده و اجرا خواهد کرد یا به آن‌ها ادامه خواهد داد. اگرچه عمده تأکیدات کنوانسیون مزبور ناظر به بخش دولتی و شفافیت نهادها و تأمین مالی دولتی است، لیکن در همین کنوانسیون صراحتاً به ضرورت شفافیت در بخش خصوص نیز اشاره شده است. مطابق بند "پ" از بخش ۲ ماده ۱۲ این کنوانسیون، هر کشور عضو، طبق اصول اساسی قوانین داخلی خود، اقداماتی را اتخاذ خواهد نمود تا از فساد بخش خصوصی جلوگیری کند، استانداردهای حسابرسی و ممیزی را در بخش خصوصی ارتقاء دهد و در صورت اقتضاء مجازات‌های مؤثر، بازدارنده مدنی، اداری یا کیفری مناسب را به خاطر قصور در پیروی از چنین اقداماتی، در نظر بگیرد (امین و معصومی‌نیا، ۱۴۰۲: ۱۱).

در جمهوری اسلامی ایران نیز از مدت‌ها قبل ضرورت شفافیت اقتصادی به‌طور کلی و نیز شفافیت جریان مالی به‌طور خاص احساس شده و قوانین و مقررات متعددی در این زمینه به تصویب رسیده که از جمله آن‌ها می‌توان به قانون مبارزه با پولشویی و آیین‌نامه اجرایی آن، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و آیین‌نامه مستندسازی جریان وجوه در کشور اشاره نمود. در حوزه جرائم ارزی نیز شفافیت یکی از مبانی مهم جرم‌انگاری محسوب می‌گردد و برخی جرائم قلمرو ارزی کشور مبتنی بر لزوم شفافیت جریان مالی، ثبت و ضبط معاملات و جلوگیری از رواج ارزهای فاقد پشتوانه توجیهی است و در واقع قانون‌گذار به دنبال آن بوده است که جریان ورود ارز به چرخه اقتصادی کشور و نقل و انتقالات آن را شفاف نموده به‌نحوی که قابلیت نظارت بر این جریان و ردیابی آن در صورت لزوم فراهم

مواقع ممنوع شده و در برخی ایام ورود و خروج دارای محدودیت باشد.

در زمان نگارش این مطالب، مطابق آخرین دستورالعمل شورای پول و اعتبار، خروج ارز از طریق پروازهای هوایی حداکثر تا ۵ هزار یورو و از طریق زمینی تا ۲ هزار یورو و معادل آن بدون اظهار حین ورود افراد مجاز است. همچنین هنگام ورود به کشور، اگر مسافری میزان ارز را اظهار کرده باشد، ولو اینکه بالای ۱۰ هزار یورو باشد، همان میزان را می‌تواند از کشور خارج کند.

ورود ارز تا سقف ۱۰ هزار یورو و معادل ارزی آن، نیاز به اظهارنامه ندارد و ورود آن به کشور مجاز است؛ اما بیش از ۱۰ هزار یورو با اظهارنامه در گمرک و البته بدون هیچ محدودیتی مجاز است. در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز پیش از اصلاحات ۱۴۰۰، بند "خ" ماده ۲ چنین مقرر کرده بود: «عدم رعایت ضوابط تعیین شده از سوی دولت یا نداشتن مجوزهای لازم از بانک مرکزی برای ورود، خروج، خرید، فروش یا حواله ارز»؛ مطابق این بند، ورود و خروج ارز بدون رعایت ضوابط دولت، قاچاق ارز محسوب می‌گردید.

با اصلاحات قانون در سال ۱۴۰۰ در خصوص ورود و خروج ارز، طی دو بند جداگانه در ماده ۲ مکرر چنین مقرر گردید: «الف) ورود ارز به کشور یا خروج ارز از کشور، بدون رعایت ضوابط مربوط که در حدود اختیارات قانونی توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود. ب) هرگونه اقدام به خروج ارز از کشور بدون رعایت ضوابط مربوط که در حدود اختیارات قانونی توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود».

۴- جرم‌انگاری مبتنی بر لزوم مدیریت تضاد منافع

در خصوص تضاد منافع، تاکنون تعاریف مختلفی بیان شده است. برخی تضاد منافع را به این صورت تعریف کرده‌اند: «تضاد منافع، مجموعه شرایطی است که این خطر را ایجاد می‌کند که تصمیم (رای) یا اقدامات حرفه‌ای [شخص] در ارتباط با منفعت اولیه به صورت ناروا تحت تأثیر یک منفعت ثانویه قرار گیرد» (Institute of Medicine, 2009: 46). در این تعریف، منظور از «منفعت اولیه» اهداف بنیادین حرفه یا فعالیت مزبور؛ نظیر حمایت از منوب‌عنه، سلامتی افراد یا حفظ اعتماد عمومی در انجام

در هر کشور، مسئله مدیریت نقدینگی است. مدیریت نقدینگی ارتباط مستقیمی با دو پدیده رکود و تورم به عنوان متغیرهای کلان اقتصادی دارد و این دو پدیده نیز رابطه مستقیمی با نحوه تعیین سیاست‌های پولی دارند. در وضعیت تورمی اصولاً سیاست‌های انقباضی در دستور کار قرار می‌گیرد تا حجم نقدینگی کاهش یافته و تورم کنترل شود و در وضعیت رکود، سیاست‌های انبساطی در دستور کار قرار می‌گیرند تا حجم نقدینگی افزایش یافته و با رونق بازار کشور از وضعیت رکود خارج شود.

لازمه‌ی اتخاذ سیاست‌های فوق، آن است که سیاست‌گذار از حجم نقدینگی در کشور مطلع باشد؛ لذا اگر قرار باشد ورود و خروج پول رایج کشور آزاد باشد، نهاد سیاست‌گذار نمی‌تواند بر حجم نقدینگی کشور اشراف داشته باشد و این امر باعث اختلال در امر سیاست‌گذاری و به تبع آن آثار سوء اقتصادی خواهد گردید.

نظر به مراتب فوق، منطقاً باید همان‌گونه که در خصوص ورود و خروج ارز سختگیری می‌شود در خصوص ورود و خروج ریال نیز سختگیری شود؛ لیکن در نظام حقوقی ما وضع بدین منوال نیست. در خصوص مدیریت نقدینگی ارزی مطابق بند ۴ ماده ۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا، نظارت بر معاملات طلا و ارز و ورود و صدور پول رایج ایران و ارز و تنظیم مقررات مربوط به آن‌ها طبق قانون یکی از وظایف نظام بانکی است. با توجه به اینکه این قانون تعریفی از نظام بانکی ارائه ننموده مشخص نیست دقیقاً چه نهادی وظیفه فوق را بر عهده دارد. شیوه صحیح تقنین همان است که در قانون پولی و بانکی کشور انجام شده است. مطابق بند "هـ" ماده ۱۱ این قانون، نظارت بر صدور و ورود ارز و پول رایج ایران و تنظیم مقررات مربوط به آن با تصویب شورای پول و اعتبار از وظایف بانک مرکزی است.

همان‌طور که بیان گردید، نظارت بر ورود و خروج ارز در واقع به معنای کنترل حجم ارزهای داخل کشور است؛ لذا این نظارت و دستورالعمل‌هایی که در این زمینه تهیه می‌شوند با توجه به وضعیت ذخایر ارزی کشور می‌تواند مغیر باشد به نحوی که در برخی ایام، ورود و خروج ارز به هر میزان آزاد باشد، در برخی

وظایف مأموران رسمی است و منظور از «منفعت ثانویه»، منافع شخصی کسی است که تصمیم یا اقدام حرفه‌ای را انجام می‌دهد.

در مقام ارائه تعریفی جامع که متضمن همه عناصر باشد، باید گفت که «تضاد منافع عبارت از وضعیتی است که در آن یک شخص که مسؤول حمایت از منافع دیگران (منفعت اولیه) است [به دلیل اعتماد بر وصف امانت‌داری یا بی‌طرفی او] قادر به اتخاذ تصمیماتی است که آثار این تصمیمات دامن‌گیر دیگران می‌گردد؛ لیکن به دلیل وجود روابطی خاص میان وی و دیگران، بیم آن وجود دارد که تصمیم‌گیرنده منافع شخصی خود (منفعت ثانویه) را بر منافع دیگران مقدم بدارد» (بادینی و سیاه‌بیدی کرمانشاهی، ۱۴۰۰: ۲۱۲).

«فساد» واژه‌ای عربی از ریشه «فسد» می‌باشد؛ این لغت، نقطه مقابل واژه «صلاح» می‌باشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳۳۵؛ سعدی، ۱۴۰۸: ۲۸۵) و عبارت است از خارج شدن یک شیء از حالت اعتدال (اصفهان‌ی، ۱۴۱۲: ۲۳۶). در فرهنگ معین، در تعریف فساد آمده است: «تباہ شدن، نابود شدن، از بین رفتن، فتنه، آشوب، زیان، کینه، دشمنی، ظلم، شرارت، بدکاری، بیماری، پوسیدگی، اضمحلال، چرکی شدن عضو، ضد صلاح و به ستم گرفتن مال کسی» (معین، ۱۳۷۹: ۱۸۲). همان‌طور که مشخص است، تمام مصادیق ذکرشده در فرهنگ معین در تعریف ارائه‌شده از فساد می‌گنجند، زیرا همه آن‌ها از مصادیق خروج از حالت اعتدال هستند.

در زبان انگلیسی برای اشاره به مفهوم فساد از واژه «Corruption» استفاده می‌شود. در تعریف این واژه آمده است: «تباہی، انحراف یا آلودگی؛ اختلال در صداقت، فضیلت یا قاعده اخلاقی. به‌ویژه، اختلال در وظایف یک مقام دولتی با رشوه‌خواری» (Garner, 2009: 397).

در زمینه‌ی مبارزه با فساد، تلاش‌های بین‌المللی متعددی صورت پذیرفته است ولی مشهورترین آن‌ها کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد (مریدا، ۲۰۰۳) می‌باشد که کشور ما نیز به موجب «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد» به این کنوانسیون پیوسته است.

با عنایت به الزام بین‌المللی دولت ایران و نیز نیازهای داخلی، سرانجام چند سال پس از تصویب قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، قانون ارتقاء نظام سلامت اداری و مقابله با فساد در تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۰۷ به تصویب رسید.

فساد از منظر سازمان شفافیت بین‌المللی عبارت است از: «سوءاستفاده از قدرت تفویضی برای منافع شخصی» (Transparency International, 2007: 21).

با عنایت به توضیحات فوق‌الذکر، مشخص می‌شود که موارد «تضاد منافع» با عنایت به اینکه هنوز سوءاستفاده‌ای رخ نداده است، به خودی خود «فساد» محسوب نمی‌شود، اما بدون شک موقعیت‌های تضاد منافع، موقعیت‌هایی هستند که بستر و زمینه‌ساز ارتکاب فساد محسوب می‌شوند.

نظر به مراتب فوق، لزوم مدیریت تضاد منافع یکی از مهم‌ترین پیشگیری و نیز مقابله با فساد است. در واقع اگرچه بهترین نحوه مدیریت تعارض منافع پیشگیری از آن است؛ یعنی علاج واقعه قبل از وقوع به‌نحوی که پیش از اتخاذ تصمیم توسط شخص دارای تعارض منافع، مانع از اقدامات وی شد و یا حتی یک مرحله قبل از آن، به این صورت که مانع از ایجاد روابط منجر به تعارض منافع میان شخص تصمیم‌گیر و دیگران شد. لیکن به هر حال ممکن است شخص دارای تعارض منافع، اقدام به تصمیم‌گیری نماید؛ لذا لازم است تمهیدی نیز برای برخورد با این شخص و نیز رفع اثر از تصمیمات وی اندیشیده شود. لذا در کنار مدیریت پیشگیرانه، دارای مدیریت مبتنی بر تنبیه مرتکب نیز می‌باشد که ناظر به جایی است که شخص دارای تعارض منافع، اقدام به تصمیم‌گیری نماید؛ از این‌رو لازم است تمهیدی نیز برای برخورد با این شخص و نیز رفع اثر از تصمیمات وی اندیشیده شود. برخی موارد قابل پیش‌بینی که می‌توانند خاصیت اربعایی نیز برای شخص دارای تعارض منافع داشته باشند، عبارتند از:

- ابطال اعمال و تصمیمات،
- پیش‌بینی مجازات،
- پیش‌بینی محرومیت‌های حرفه‌ای،
- = پیش‌بینی خسارات تنبیهی.

می‌باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیر مستقیم قبول نماید، در حکم مرتشی است؛ اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آن‌ها بوده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آنکه در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد».

ج) دولت به کارمندان خود برای انجام معاملات دولتی اعتماد می‌نماید؛ حال چنانچه کارمند دولت از این اعتماد سوءاستفاده نموده و با طرف معامله تبانی نماید، عمل وی به موجب قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی جرم‌انگاری شده است.

مشابه مثال‌های فوق، در خصوص پذیرش نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، مداخله در معاملات دولتی، اخذ پورسانت در معاملات دولتی و نیز تدلیس در معاملات دولتی وجود دارد. عدم توجه صحیح به مدیریت تعارض منافع در نظام ارزی کشور دو پیامد عمده ذیل را در پی داشته است:

۴-۱- گسترش سوءاستفاده از ارزش‌های یارانه‌ای و عدم رفع تعهد ارزی

برخی جرائم مبتنی بر لزوم کنترل و پایین نگه‌داشتن قیمت کالاهای اساسی نظیر دارو و ... جرم‌انگاری شده‌اند؛ نظیر جرم عدم رفع تعهدات ارزی واردکنندگان. در واقع برخی افراد با هدف دریافت ارز یارانه‌ای به پهانه واردات کالا و فروش ارز در بازار آزاد و بهره‌مندی از مابه‌التفاوت نرخ ارز، اقدام به ثبت سفارش واردات می‌نمایند و قانون‌گذار برای مقابله با این اشخاص، عدم رفع تعهد ارزی را جرم‌انگاری نموده است.

در تشریح ارتباط این جرم و مدیریت تضاد منافع باید گفت که دولت به‌عنوان مالک ارزش‌های دولتی، به واردکنندگان اعتماد نموده و ارزها را در اختیار واردکنندگان قرار می‌دهد تا اقدام به واردات کالاهای اساسی نموده و با قیمت مناسب در اختیار مردم قرار دهند؛ لیکن چنانچه واردکننده از این اعتماد سوءاستفاده نموده و ارزش‌های دریافتی را صرف واردات نماید و به تعهد ارزی خود عمل ننماید، قانون‌گذار اقدام وی مجرمانه تلقی و شایسته مجازات می‌داند.

در تعریف تعهد گفته‌اند که تعهد «رابطه حقوقی است که به موجب آن شخصی در برابر دیگری مکلف به انتقال و تسلیم مال یا انجام دادن کاری می‌شود، خواه سبب ایجاد آن رابطه عقد باشد یا

از میان موارد فوق‌الذکر، مورد پیش‌بینی مجازات دارای ارتباط با پژوهش حاضر یعنی مبنای جرم‌انگاری است. در واقع قانون‌گذار در برخی موارد، تصمیم‌گیری در موقعیت‌های تضاد منافع را قابل مجازات دانسته است؛ به‌عنوان مثال، اگر قاضی در مواردی که نباید تصمیم‌گیری کند (موارد رد دادرسی)، اقدام به صدور رأی نماید، عمل وی یک تخلف انتظامی محسوب شده است و می‌توان آن را مصداق بند ۵ ماده ۱۶ قانون نظارت بر رفتار قضات دانست.

در بسیاری از موارد، قانون‌گذار به کارمندان خود اعتماد نموده و صلاحیت تصمیم‌گیری در امور را به آن‌ها اعطا می‌نماید؛ لیکن چنانچه از این اعتماد سوءاستفاده نموده و منافع خود را بر منافع دولت ترجیح دهند قانون‌گذار اقدام آن‌ها را جرم‌انگاری نموده و مستوجب مجازات می‌داند. به‌عنوان مثال:

الف) دولت به کارمندان خود اعتماد نموده و در برخی موارد اموال و وجوه را نزد آن‌ها به امانت می‌گذارد؛ حال چنانچه کارمند مزبور از این اعتماد سوءاستفاده نموده و اموال را به نفع خود تصاحب نماید، اقدام وی تحت عنوان مجرمانه اختلاس موضوع ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴/۰۶/۲۸ مجلس شورای اسلامی جرم‌انگاری شده است. مطابق این ماده «هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها ... وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب می‌شوند».

ب) مشابه مثال قبل، دولت به کارمندان خود اعتماد نموده و صلاحیت انجام اعمال اداری را به آن‌ها واگذار می‌نماید، حال چنانچه کارمند مزبور از این اعتماد سوءاستفاده نموده و برای انجام یا عدم انجام این وظایف از دیگران وجهی مطالبه نماید، اقدام وی تحت عنوان مجرمانه اختلاس موضوع ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴/۰۶/۲۸ مجلس شورای اسلامی جرم‌انگاری شده است. مطابق این ماده «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی ... برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور

افزایش ارتکاب جرم و سوءاستفاده مالی نیز گردیده است. امروزه واضح و مبرهن است که قصور و تقصیر دولت‌ها در امر مقررہ‌گذاری و نیز مقررہ‌گذاری ناصحیح یکی از علل عمده ارتکاب جرائم توسط شهروندان است. در واقع دولت‌ها در برخی موقعیت‌ها سیاست‌هایی اتخاذ می‌نمایند که در نهایت منجر به ارتکاب جرم توسط شهروندان و یا تسهیل ارتکاب جرم توسط شهروندان می‌شود.

در واقع در پاره‌ای از مواقع برخی از قوانین به جای بازدارندگی، کنترل یا کاستی جرائم ارتکابی، موجب تشویق و تحریک افراد به ارتکاب جرم می‌گردد. برخی قوانین کیفری در واقع، بسیاری از یافته‌ها و واقعیت‌های علوم جنایی، تجربی و جرم‌شناسی را به چالش طلبیده‌اند؛ و برخی از اصول بنیادین حقوق کیفری مدرن را زیر پا گذارده است. این مسأله سبب می‌گردد، حقوق کیفری که هدف اولیه آن مبارزه با بزهکاری است در بسیاری از موارد به استقبال جرم رفته و زمینه‌ی ارتکاب هر چه بیشتر جرم را ترویج و فراهم نماید (قاسمی، ۱۳۸۸: ۳). در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران متأسفانه قوانین متعددی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

(الف) قتل به اعتقاد مهدور الدم بودن موضوع ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی که عملاً می‌تواند منجر به ترویج قتل با اعتقاد مزبور گردد.

(ب) قتل و ضرب و جرح در فراش موضوع ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات که عملاً می‌تواند منجر به افزایش خشونت‌های خانگی گردد.

(ج) عدم قصاص پدر بابت فرزندکشی نیز یکی از قوانین جرم‌زا تلقی می‌گردد. مطابق ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی‌علیه نباشد. وجود چنین قانونی باعث شده که برخی معتقدند که قصاص نشدن پدر و جد پدری، تشویق به فرزندکشی است (وجدانی‌فخر و الهی‌منش، ۱۴۰۱: ۲۴۶-۲۴۷).

با عنایت به مراتب فوق، کاملاً مشخص است که مقررہ‌گذاری و سیاست‌گذاری ناصحیح حاکمیت، به سادگی می‌تواند زمینه ارتکاب جرم توسط شهروندان را فراهم نماید؛ در زمینه مقررات ارزی در کشور ایران نیز وضع به همین منوال است. تا پیش از

ایقاع یا الزام قهری» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۷۱). منظور از «تعهد ارزی» یا به صورت دقیق‌تر «تعهد ارزی واردکنندگان»، تعهدی است که واردکنندگان در قبال دریافت ارز یا خدمات دولتی نسبت به واردات کالا یا خدمات دارند. در واقع اشخاصی که قصد واردات کالا و خدمات دارند و برای واردات از ارزهایی که اجازه استفاده از آن‌ها در اختیار دولت است استفاده می‌کنند یا از سایر خدمات دولتی برای واردات بهره‌مند می‌شوند، متعهدند که کالا یا خدمات اعلامی را به کشور وارد نمایند؛ در غیر این صورت مطابق ماده ۱۰ قانون تعزیرات حکومتی با آنان برخورد خواهد شد. البته در اصلاحات قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۴۰۰ در راستای تشدید برخورد با واردکنندگانی که حجم تخلفات آن‌ها بالاست، در تبصره ۷ ماده ۲، مکرر ضمانت اجرای این تخلف تشدید گردیده است.

۴-۲- مقررہ‌گذاری ناصحیح حاکمیت یا تصویب قوانین و مقررات جرم‌زا

یکی از ویژگی‌های مهم جرم‌انگاری در حوزه ارزی، ارتباط آن با سیاست‌ها و مقررات ارزی تعیینی توسط بانک مرکزی است؛ به عبارت دیگر در بسیاری از موارد، رفتارهای آسیب‌زا در قلمرو ارزی کشور در واقع مواردی است که بر خلاف سیاست‌ها و مقررات تعیینی بانک مرکزی است و قانون‌گذار در واقع جرم‌انگاری را در جهت حمایت از سیاست‌های بانک مرکزی تبیین نموده است.

مطابق بندهای "ج" و "هـ" ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی ایران به عنوان تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری کشور موظف به انجام وظایف زیر می‌باشد: «... ج- تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی با تصویب شورای پول و اعتبار و همچنین نظارت بر معاملات ارزی. ... هـ- نظارت بر صدور و ورود ارز و پول رایج ایران و تنظیم مقررات مربوط به آن با تصویب شورای پول و اعتبار».

تأثیر مقررات تعیینی بانک مرکزی بر جرم‌انگاری‌های قلمرو ارزی در حوزه‌های مختلف ارزی کشور اعم از ورود و خروج ارز، ارزهای تخصیصی برای واردات و ارزهای حاصل از صادرات کاملاً مشخص و مبرهن می‌باشد و به نظر می‌رسد در برخی موارد سیاست‌های غلط اتخاذی در این حوزه باعث

انجام شده‌اند (Friedrichs, 2000: 55) و یا به تعبیر برخی دیگر، نقض نظام‌مند حقوق بشری شهروندان ناشی از انحراف ساختاری حکومت (غلامی و غلامی، ۱۴۰۱: ۱۳)؛ لیکن چنانچه منشأ تصویب این قوانین و مقررات ناکارآمدی باشد، دیگر مشمول تعریف جرم حکومتی نخواهد بود. در هر صورت مقررگذار ناصحیح دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه ارزی، زمینه بروز جرائم و تخلفات گسترده‌ای را فراهم نموده است.

۵- جرم‌انگاری مبتنی بر لزوم تأمین ارز مورد نیاز کشور

برخی جرائم با هدف تأمین ارز مورد نیاز کشور جهت واردات کالاهای مورد نیاز در مبادلات بین‌المللی تبیین گردیده‌اند؛ نظیر جرم عدم بازگردانی ارز حاصل از صادرات. در خصوص لزوم یا عدم لزوم بازگردانی ارز حاصل از صادرات دو رویکرد وجود دارد:

الف) مطابق رویکرد نخست، ارزهای حاصل از صادرات متعلق به صادرکننده بوده و دولت حق ندارد در خصوص نحوه هزینه‌کرد این ارزها دخالت نماید؛ در واقع دولت نهایتاً می‌تواند شرکت‌های متعلق به خود را در این زمینه الزام نماید و در خصوص بخش خصوصی چنین صلاحیتی ندارد. مبنای این دیدگاه، قاعده فقهی تسلیط، «الناس مسلطون علی اموالهم»، می‌باشد که مراد از قاعده آن، تسلط و اختیار مالک برای هرگونه تصرف در اموال خویش می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۱۳۶). قاعده مزبور در فقه شیعه یک قاعده مسلم می‌باشد و اگرچه در کتب فقه‌های اهل تسنن به‌عنوان یک قاعده فقهی به آن تصریح نشده ولی برخی نویسندگان معتقدند که فقه‌های اهل سنت به مقتضای آن عمل کرده‌اند (الزحیلی، ۱۴۰۹: ۶۸۱). فقه‌های امامیه برای اثبات این قاعده به ادله چهارگانه (کتاب و سنت و عقل و اجماع) استناد نموده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶: ۲۲-۲۱).

ب) رویکرد دوم معتقد است تولیدکنندگان داخلی که در زمان تولید به انحای مختلف از منابع کشور استفاده نموده‌اند و در امر تولید به روش‌های مختلف به آنان در زمینه انرژی و مواد اولیه یارانه تعلق گرفته است تا موفق به صادرات کالا شوند، موظف‌اند پس از صادرات کالا، ارزهای به‌دست‌آمده را مطابق

سال ۱۳۹۷، عملاً تفاوت نرخ چندانی میان ارز دولتی و ارز آزاد وجود نداشت و لذا تخلفات صورت گرفته در این حوزه نیز محدود بود؛ لیکن در سال ۱۳۹۷ دولت وقت تصمیم گرفت از ۲۱ فروردین ماه یکسان‌سازی نرخ ارز را با اعلام قیمت هر دلار ۴۲۰۰ تومان اجرایی نماید و همین اقدام منشأ تفاوت فاحش نرخ ارز دولتی و ارز آزاد گردید؛ اگرچه دولت برای اقدام خود دلایل متعددی ذکر نمود که این دلایل در نامه معاون اول رئیس‌جمهور به رهبر انقلاب منعکس گردیده است و عمده‌ترین دلیل نیز همان پیشگیری از تورم و گرانی شدید است، لیکن آنچه در عمل اتفاق افتاد سوءاستفاده سودجویان از تفاوت نرخ ارز از یک‌سو و افزایش تورم از سوی دیگر بود.

مطابق بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس در آذرماه سال ۱۴۰۲ در حال حاضر، در بازار رسمی ارز (حواله و اسکناس) هفت نرخ ارز وجود دارد: ۱. نرخ ترجیحی ارز (یا همان ارز یارانه‌ای و دولتی) به نرخ ۴۲۰۰ تومانی مربوط به دارو و تجهیزات پزشکی، ۲. نرخ ترجیحی ارز ۲۸۵۰۰ تومانی (حواله)، ۳. نرخ حدود ۳۷۵۰۰ تومانی برای ارزهای صادرات پترو پالایشگاهی (حواله)، ۴. نرخ ۴۰۰۰۰ تومانی برای صادرات غیر پترو پالایشگاهی که ملزم به عرضه ارز در مرکز مبادله هستند (حواله)، ۵. متوسط وزنی نرخ ارز در مرکز مبادله حدود ۳۸۵۰۰ تومان (حواله)، ۶. نرخ ارز توافقی ارز معاملاتی بین صادرکننده و واردکننده در تأمین ارز به شکل «ارز اشخاص» در نرخ حاشیه بازار غیررسمی ارز، ۷. نرخ حدود ۴۲۵۰۰ تومانی ارز اسکناس مرکز مبادله. در همین گزارش به صراحت بیان گردیده که نظر به تجربه نیم قرن گذشته در سیاست‌های ارزی، فساد و مشکلات اساسی در پی این تنوع در نرخ‌های ارز وجود دارد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲: ۲۷) که این امر مغایر با بند ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است که مقرر می‌دارد: «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...».

اقدامات تقنینی و تنظیم‌گری‌های ناصحیح دولتی اگر به‌صورت عمدی صورت پذیرد، موضوع، مشمول تعریف جرم حکومتی خواهد بود، زیرا جرم حکومتی عبارت است از شیوه‌های سازمان‌یافته‌ای که به‌دنبال پیگیری اهداف و منافع حکومت

تشدید مجازات وضع گردیده است. یکی از مصادیق اخلال در نظام کشور، اخلال در نظام پولی و ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آن‌ها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن می‌باشد.

یکی از نویسندگان شتاب‌زدگی و ناشی از شرایط خاص بودن این قانون را به نحو روشنی تبیین نموده است، مطابق نظر این نویسنده «آنچه در رویکرد فعلی مقنن نسبت به جرم‌انگاری "اخلال در نظام اقتصادی کشور" مشاهده می‌گردد، برخوردی سطحی و مصداق محور است». مقنن برخی فعالیت‌ها را که به‌نظر می‌رسد در زمان تصویب «قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور» در سال ۱۳۶۹ موجب بروز اختلالاتی در عرصه اقتصاد کلان شده بوده‌اند، احصاء و نسبت به آن‌ها طیفی از ضمانت اجراها از شش ماه حبس گرفته تا اعدام را مقرر نموده است و در سال‌های بعد نیز چنانچه مورد دیگری را لازم دیده است، به‌عنوان یک بند به سایر مصادیق اخلال، اضافه و یا در قانونی خاص به آن اشاره کرده است. چنین سندی به‌عنوان مبنای جرم‌انگاری و برخورد، نباید شتاب‌زده و باعجله تنظیم شود؛ شاید به همین دلیل است که علی‌رغم گذشت حدود ۲۵ سال از زمان وضع این قانون، هنوز در جامعه علمی با اقبال مواجه نشده و در کمتر متن علمی می‌توان مباحثی تحلیلی در باب این موضوع یافت (سیاه‌بیدی کرمانشاهی، ۱۳۹۷: ۷۶).

منظور از اخلال در نظام ارزی آن است که بر نظام ارزی کشور که به‌صورت منظم در حال کنش و واکنش هستند، عاملی عارض گردد که نظم میان اجزا را بر هم زند و وصف «مجموعه منظم» را زائل نماید (سیاه‌بیدی کرمانشاهی، ۱۳۹۷: ۷۸). همان‌طور که نویسنده مزبور عنوان نموده‌اند، قانون مزبور مبتنی بر شرایط خاص حاکم بر زمان تصویب شده و دقت کافی نیز در تصویب آن لحاظ نشده است؛ لذا چندان مناسب تحلیل علمی نمی‌باشد و صرفاً می‌توان شرایط خاص حاکم بر زمان و مکان را به‌عنوان یکی از علل جرم‌انگاری در زمینه ارزی برشمرد.

ضوابطی که دولت تعیین می‌کند، صرف نموده و به چرخه اقتصادی کشور بازگردانند.

ظاهراً قانون‌گذار و قوه مجریه در ایران از رویکرد دوم تبعیت نموده‌اند و در زمینه بازگردانی ارز حاصل از صادرات از دهه‌های قبل اقدام به مقررات گذاری نموده‌اند.

با عنایت به توصیفات فوق، الزام بازگردانی ارز حاصل از صادرات به کشور یک الزام همیشگی است و اینکه دولت‌ها در برخی زمان‌ها با اتکا به منابع نفتی از نظارت بر این ارزها غفلت کرده‌اند، باعث نمی‌شود اهمیت این موضوع منتفی گردد بلکه دولت‌ها لازم است حتی در مواقعی که درآمد نفتی کافی وجود دارد باز هم چرخه‌ی بازگشت ارز حاصل از صادرات را مدیریت نموده و از اتکا به درآمدهای نفتی کم کنند.

در حال حاضر مقررات حاکم بر ارز حاصل از صادرات در تبصره ۶ ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اصلاحات ۱۴۰۰ و آیین‌نامه اجرایی آن بیان شده است. مطابق بند ۷ از قسمت "ق" تبصره ۶ قانون بودجه ۱۴۰۰: «برخورداری از معافیت‌های مالیاتی برای درآمدهای حاصل از صادرات کالاها و خدمات و هرگونه جایزه و مشوق‌های صادراتی منوط به بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور است».

علاوه بر این، در تبصره ۶ ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اصلاحات ۱۴۰۰ مقرر شده است: «کلیه صادرکنندگان کالا به خارج از کشور موظف‌اند ارز مندرج در پروانه گمرکی یا معادل ارزی آن به سایر ارزها را به بانک مرکزی بفروشند و یا با تأیید بانک مرکزی نسبت به فروش آن به سایر اشخاص اقدام یا جهت تأمین ارز واردات کالای خود یا بازپرداخت بدهی تسهیلات ارزی استفاده نمایند. متخلف علاوه بر الزام به ایفای تعهد موضوع تخلف، به جرمه نقدی معادل یک‌پنجم موضوع تخلف و دو یا چند مورد از محرومیت‌های موضوع ماده (۶۹) این قانون محکوم می‌شود. در صورت عدم ایفای تعهد ظرف سه ماه از زمان ابلاغ حکم قطعی، معادل ارزش تعهد بر اساس بالاترین نرخ اعلامی بانک مرکزی در زمان صدور حکم، به جرمه نقدی مرتکب افزوده می‌شود».

۶- جرم‌انگاری مبتنی بر وجود شرایط خاص در کشور

قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور عمدتاً تحت تأثیر شرایط خاص کشور پس از جنگ تحمیلی و با رویکرد

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که جرم‌انگاری در قلمرو ارزی جمهوری اسلامی ایران از دو رویکرد اصلی تبعیت می‌کند. در رویکرد نخست، قانون‌گذار با لحاظ همسانی‌های ماهوی و عملکردی ارز و پول، تفاوت‌های جزئی میان این دو را نادیده گرفته و تمرکز جرم‌انگاری را بر ویژگی‌های مشترک قرار داده است. این دسته از جرم‌انگاری‌ها، مانند پولشویی و تحصیل دارایی نامتعارف، به‌طور کلان اهداف سیاست جنایی را دنبال می‌کنند و در پی کنترل رفتارهای اقتصادی غیرقانونی هستند. در رویکرد دوم، قانون‌گذار با شناخت تفاوت‌های ارز و پول، جرم‌انگاری را اختصاصی و ناظر بر ارز تنظیم کرده است. این جرم‌انگاری اختصاصی شامل مجموعه‌ای گسترده از رفتارها است: وارد یا خارج کردن غیرقانونی ارز، فعالیت صرافی بدون مجوز، سوءاستفاده از حواله‌های ارزی مربوط به واردات کالا، عدم بازگردانی ارز حاصل از صادرات، عدم ایفای تعهدات ارزی، معاملات فردایی ارز، ثبت ناقص معاملات ارزی، ارائه صورتحساب نادرست، نگهداری ارز فاقد پشتوانه و اخلاف در نظام اقتصادی کشور.

تحلیل مبانی حقوقی و سیاست جنایی نشان می‌دهد که قانون‌گذار با توجه به اهداف متنوع، این اقدامات را جرم‌انگاری کرده است. یافته‌های پژوهش استقرایی حاکی از آن است که این مبانی شامل پیشگیری از ترویج قمار در بازار ارز، ضرورت شفافیت جریان مالی، مدیریت حجم نقدینگی، کنترل تضاد منافع، تأمین ارز مورد نیاز کشور و توجه به شرایط خاص اقتصادی و سیاسی است. افزون‌بر این، می‌توان گفت که جرم‌انگاری‌های ارزی ایران بر اساس منطق پیشگیرانه و اقتضائات امنیت اقتصادی طراحی شده‌اند تا از اختلالات گسترده در سیاست‌های پولی و مالی جلوگیری کنند و امکان مدیریت متمرکز جریان ارزی کشور را فراهم سازند.

تحلیل بیشتر نشان می‌دهد که پراکندگی و عدم انسجام قانون‌گذاری، یکی از چالش‌های جدی در این حوزه است. فقدان هماهنگی میان مقررات، نبود ضمانت اجرای مؤثر و تأخیر در ورود مقنن به اصلاح قوانین، موجب شده است که سیاست جنایی در حوزه ارز، گاه به‌صورت آزمون و خطا عمل کند

و به تشدید سوءاستفاده‌ها و هدر رفت منابع منجر شود. از منظر حقوقی، این وضعیت ضرورت بازنگری و اصلاح ساختاری قوانین ارزی را برجسته می‌کند تا هم شفافیت و پاسخگویی افزایش یابد و هم حقوق و تکالیف بازیگران اقتصادی به وضوح تعیین شود.

علاوه‌بر این، می‌توان تحلیل کرد که سیاست جنایی ایران در حوزه ارز نیازمند تبیین راهبردهای تطبیقی و هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی است. تجربه کشورهای موفق در مدیریت جرائم ارزی نشان می‌دهد که تلفیق نظارت قضایی، سیاست‌های مالی و مقررات کیفری، ضمن کاهش ریسک‌های اقتصادی، ثبات و اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را نیز افزایش می‌دهد. در این راستا، ایجاد چارچوب حقوقی منسجم، تقویت ضمانت اجراها، توسعه سازوکارهای نظارتی و پیشگیرانه و توجه به تعامل میان بخش خصوصی و دولت می‌تواند کارآمدی سیاست جنایی ارزی را به نحو قابل‌توجهی افزایش دهد.

در مجموع، تحلیل مبنای جرم‌انگاری‌های ارزی نشان می‌دهد که سیاست جنایی ایران نه بر پایه یک منطق واحد، بلکه بر تلفیقی از مبانی متنوع و در راستای اهداف کلان اقتصادی و امنیت مالی کشور شکل گرفته است. بازشناسی این مبانی و تحلیل نقاط قوت و ضعف آن‌ها، می‌تواند راهگشای اصلاحات قانونی و ارتقاء شفافیت، عدالت و کارآمدی سیاست جنایی در حوزه ارز باشد و بستری مناسب برای پیشگیری از تخلفات، مدیریت ریسک‌های اقتصادی و تقویت ثبات بازار فراهم آورد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات به مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: در تدوین این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود نداشته است.

سهم نویسندگان: نگارش این مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام شده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که نویسندگان را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- ابن قدامه، عبدالله (۱۴۱۳). *المغنی*. جلد سوم، بیروت: دارالتراث.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان‌العرب*. جلد سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دارالعلم - الدار الشامیه.
- امین، سید علیرضا و معصومی‌نیا، غلامعلی (۱۴۰۲). «بررسی موانع فقهی مشروعیت معاملات فردایی». *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*. ۱۲ (۴۳): ۷-۲۵.
- انصاری، مرتضی (۱۳۷۵). *حقوق کیفری اقتصادی ایران: مبانی و مقررات*. تهران: نشر دانشگاهی.
- بادینی، حسن و سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید (۱۴۰۰). «تحلیل مفهوم و مصادیق تعارض منافع در حقوق خصوصی». *مجله حقوقی دادگستری*. ۸۵ (۱۱۶): ۲۰۹-۲۳۱.
- پیکا، جرج (۱۳۸۹). *جرم‌شناسی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- ترک چناری، فرزانه (۱۳۹۰). *مبانی و اصول جرم‌انگاری جرائم منفی عفت و اخلاق عموم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۸). *جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی*. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۶). *مبانی مالکیت فکری*. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- الزحیلی، وهبه مصطفی (۱۴۰۹). *الفقه الاسلامیه وادلته*. جلد ششم، دمشق: دارالفکر.
- زمانی جباری، افسانه و پژوهش جهرمی، امین (۱۳۹۷). «مبانی جرم‌انگاری جرائم سایبری مجازی». *امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات (منادی)*. ۷ (۲): ۳-۱۴.
- سرمست‌شوشتری، مهدی، اسکندری، جواد و رسولی، سیدمحمدحسن (۱۴۰۲). «بررسی ضرورت و الزامات ارتقاء شفافیت رویدادهای مالی در حکمرانی اقتصادی طی برنامه هفتم توسعه». *مجلس و راهبرد*. ۳۰ (۱۱۵): ۳۰۱-۳۳۳.
- سعدی، ابو جیب (۱۴۰۸). *القاموس الفقهی لغه و اصطلاحا*. دمشق: دارالفکر.
- سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید (۱۳۹۷). *حقوق کیفری اقتصادی: جرائم و تخلفات مالیاتی - اخلال در نظام اقتصادی کشور - قاچاق ارز و تخلفات ارزی - پولشویی*. تهران: جنگل.
- عینی، محسن (۱۳۹۷). «جرم‌انگاری قاچاق داروی تقلبی در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*. ۶ (۲۲): ۱۷۱-۲۰۳.
- غلامی، نبی‌اله و غلامی، حسین (۱۴۰۱). «تحلیل جرم‌شناختی جرم حکومتی بر مبنای نظریه بازی». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*. ۱۰ (۳۸): ۹-۳۶.
- قاسمی، حمید (۱۳۸۸). *بررسی زمینه جرم‌زایی برخی قوانین در حقوق کیفری ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*. چاپ بیست‌وششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *نظریه عمومی تعهدات*. تهران: انتشارات میزان.

Economic Transparency and Political (in)Stability, Cambridge University Press.

- Institute of Medicine (2009). *Conflict of Interest in Medical Research, Education, and Practice*. National Academies Press.

- Khagram, S; Fung, A & de Renzio, P (Eds.) (2013). *Open Budgets: The Political Economy of Transparency, Participation, and Accountability*. Brookings Institution Press.

- Transparency International (2007). *Global Corruption Report, Corruption In Judicial Systems*. Cambridge: Cambridge University press.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ هـ). *الکافی*. جلد پنجم، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲). *بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور (۱): کلیات (ویرایش اول)*. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- مصطفوی، محمد کاظم (۱۴۱۷). *القواعد: مائه قاعده فقهیه معنی و مدرک و مورد*. جلد اول، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه قم. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). *اصول فقه و مبانی حکومت اسلامی*. تهران: انتشارات صدرا.

- معین، محمد (۱۳۷۹). *فرهنگ لغت*. جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۶). *القواعد الفقهیه*. جلد دوم، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).

- منصورآبادی، عباس و ریاحی، جواد (۱۳۹۱). «مفهوم شناسی «مبانی» در پژوهش‌های حقوقی». *پژوهش‌های حقوقی*، ۱۱(۲): ۲۴-۹.

- میثمی، حسین و ندری، کامران (۱۳۹۷). *آسیب شناسی معاملات فردایی ارز و طراحی ابزارهای جایگزین در چارچوب اسلامی*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.

- وجدانی فخر، طلحیه و الهی منش، محمدرضا (۱۴۰۱). «قصاص در جنایات (نمونه موردی ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی)». *نشریه حقوق و مطالعات سیاسی*، ۲(۳): ۲۵۹-۲۴۶.

ب. منابع انگلیسی

- Friedrichs, D. O (2000). *State Crime or Governmental Crime: Making Sense of the Conceptual Confusion*. In J. I. Ross (ed.), *Controlling State Crime*, (pp. 3-25), London: Transaction Publishers.

- Garner, B. A (Ed.) (2009). *Black's Law Dictionary* (9th ed.), London: West.

- Hollyer, J. R; Rosendorff, B. P & Vreeland, J. R (2018). *Information, Democracy, and Autocracy*: